

دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۹ • ۳ صفر ۱۴۴۲ • ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰

خبر کوتاه

سود پرسپولیس از فروش پیراهن؛ فقط ۱۰ادردصد!

فروش پیراهن یکی از مهم‌ترین راه‌های درآمد باشگاه‌های فوتبال محسوب می‌شود و از این رو باشگاه‌های حرفه‌ای دنیا، حساب ویژه‌ای روی این موضوع دارند به طوری معمولاً یک باشگاه از فروش پیراهن بازیکن جدیدش، درآمد خوبی به جیب می‌زند. البته معمولاً باشگاه‌های ایرانی سهم کمی از این موضوع می‌برند چرا که نبود سازوکار مناسب، مدیران را نسبت به فروش البسه، بی انگیزه کرده است. با این حال گاهی هم قراردادهایی برای فروش البسه با برند باشگاه به امضا می‌رسد که بررسی آن‌ها، شائبه برانگیز بودن قرارداده‌ا را نشان می‌دهد.

باشگاه پرسپولیس که در چهار سال پیاپی در لیگ برتر به قهرمانی رسیده و توانسته نتایج رویایی برای هوادارانش کسب کند، قطعاً دارای باارزش‌ترین برند حال حاضر فوتبال ایران است، اما کارگزار این باشگاه در یک قرارداد عجیب، متیاز فروش البسه را ازشرین‌ترین برند فعلی فوتبال ایران را تنها با سهم ۱۰ درصدی (که بخشی از این درصد هم به عنوان قدرالسهم کارگزار کسر می‌گردد) به یک شرکت واگذار کرده است.

بر اساس اسنادی که ایسنا به آن دست پیدا کرده، کارگزار باشگاه پرسپولیس، از طرف این باشگاه (البته پرسپولیس به عنوان مطلع قرارداد را امضا کرده است) به یک شرکت مجوز می‌دهد که با لوگوی رسمی پرسپولیس اقدام به تولید محصولات مختلف اعم از لباس ورزشی کرده و آن را انحصاری از طریق شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی به صورت تی وی شاپینگ به فروش برساند. در مقابل این شرکت هم ۱۰ درصد از کل فروش خود تا سقف ۲۰ میلیارد تومان را به حساب کارگزار واریز می‌کند تا کارگزار پس از کسر درصد سهم خود، مابقی را به پرسپولیس بدهد.

این یعنی یک شرکت به راحتی اجازه فروش البسه ورزشی و اقلام مختلف با لوگوی پرسپولیس را پیدا می‌کند و فقط به این باشگاه و کارگزارش ۱۰ درصد سهم می‌دهد. به عبارت دیگر اگر همان پیش‌بینی فروش ۲۰ میلیاردی این شرکت را در نظر بگیریم، در این صورت فقط ۲ میلیارد تومان عاید پرسپولیس و کارگزارش می‌شود.

در این قرارداد ذکر شده که شرکت مذکور در زمان انعقاد قرارداد باید یک میلیارد تومان نقد و همین‌طور دو فقره چک ۵۰۰ میلیون تومانی ارائه کند اما بر اساس اعلام منابع آگاه از این قرارداد در بهمن ماه فقط ۷۰۰ میلیون تومان از سوی کارگزار به حساب پرسپولیس واریز شده است.

در این قرارداد که از تاریخ ۱۴ بهمن ۹۸ به مدت دو سال قابل اجرا است، ذکر شده در صورت فروش بیش از ۲۰ میلیارد تومانی، سهم کارگزار و پرسپولیس کاهش یافته و به ۸ درصد می‌رسد که این بند بسیار عجیب به نظر می‌رسد! در بخش دیگری از این قرارداد آمده: «در صورت اجرای صحیح کلیه مفاد قرارداد، قرارداد حاضر برای یک سال دیگر قابل تمدید و لازم‌الاجراست.» که این یعنی پرسپولیس اجازه تولید و فروش پیراهنش را در یک قرارداد سه ساله با سهم فقط ۱۰ درصدی به یک شرکت واگذار کرده است. البته نکته امیدوار کننده ماجرا این‌جاست که اجازه تولید و فروش محصولات پرسپولیس خارج از شبکه‌های تلویزیونی به صورت انحصاری در اختیار این شرکت نیست. یک حساب و کتاب ساده و مشاوره با اهالی فن در حوزه اقتصاد و برندینگ نشان می‌دهد که امضای چنین قراردادهایی برند «پرسپولیس» را ارزان‌تر از ارزش واقعی در اختیار دیگران قرار داده و حالا هم کسی پاسخگوی این ارزان فروشی نیست. پرسپولیسی که چهار سال قهرمان لیگ برتر شده و به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسیده است، باید از بردنش آن‌قدر درآمد داشته باشد که مشکل مالی برایش ایجاد نشود اما متأسفانه مدیرانی که یک قرارداد عجیب همه پرسپولیس را به یک کارگزار واگذار کرده‌اند و کارگزار هم بدون پاسخگویی به ابهامات چنین قراردادهایی را به امضا می‌رساند. پرسپولیس هم بر اساس قراردادش با کارگزار، به عنوان مطلع باید نسب به امضای قراردادهای اینچنینی اقدام کند. حالا پرسپولیس با مشکلات مالی زیادی روبه‌رواست و باید مطالبات سرمربیان خارجی پیشین‌خود را بپردازد اما چنین قراردادهایی دست و پای مدیران فعلی این باشگاه را برای درآمدزایی کلان بسته است.

نمی‌فهمم چرا پرسپولیس ترایی و علیپور را از دست داد؟

علیرضا مرزبان مربی اسبق پرسپولیس درباره وضعیت این تیم در لیگ قهرمانان آسیا می‌گوید: «در نتیجه‌گیری بهترین نماینده ایران بوده و این تیم با حفظ اسکلت اصلی خود همچنان به مسیر خوش ادامه می‌دهد. نقطه‌قوت پرسپولیس همچنان خط دفاع مستحکم این تیم با فرماندهی سیدجلال حسینی است. پرسپولیس در دو بازی با التعاون در نتیجه‌گیری بسیار خوب بود و به صدر جدول هم صعود کرد. این تیم شانس اول صعود از گروهش به حساب می‌آید.»

موضوعی که مرزبان به آن اشاره می‌کند قدرت تقویت شده پرسپولیس در خط حمله است: «هنوز نمی‌توانم درک کنم چطور بازیکن مهمی مثل مهدی ترابی به خاطر ۴۰ میلیون تومان توانست قراردادش را با پرسپولیس یکطرفه فسخ کند و علی علیپور بعد از سال‌ها حضور در تیم خیلی راحت به عنوان بازیکن آزاد راهی تیم دیگری می‌شود. در مونیخ بر سر الایا دعواست که چرا قراردادش را تمدید نمی‌کند در حالی که یک فصل دیگر قرارداد دارد اما در باشگاه پرسپولیس خیلی راحت اجازه می‌دهند قرارداد بازیکنی به تیم برسد یا با ۲۰ میلیون فسخ شود. این همان ضعف مدیریت است که در فوتبال ایران فاجعه‌های اینچنینی به بار می‌آورد.»

بعید می‌دانم درباره اینکه پرسپولیس بهترین تیم پنج سال اخیر ایران است اختلاف نظری وجود داشته باشد. این بهترین بودن تنها به قهرمانی‌های پیاپی وابسته نیست و خارج از زمین هم پرسپولیس وضعیتی بهتر از سایر تیم‌ها داشت. آنها در چند سال اخیر مدیریتی نسبتاً یکپارچه و کم حاشیه را، غیر از یک سال اخیر، تجربه کردند و از حیث امکانات زیرساختی هم وضعیت آبرومندانه‌تری نسبت به سایر تیم‌های ایرانی دارند اما نباید گول بخوریم که چنین تصویر زیبایی این تصور را در ذهن‌ها ایجاد کند که پرسپولیس سرانجام به اولین تیم ایرانی بدل شده که ساختار واقعی و حرفه‌ای پیدا کرده و به این ترتیب گام در مسیر حرفه‌ای شدن گذاشته است.بسیار تحقیرآمیز است اما باید بگویم که همه روزهای خوش پرسپولیس در چند سال اخیر فقط و فقط رابطه مستقیمی با یک مربی خارجی دارد.

برانکو ایوانکوویچ که سعی کرد در پرسپولیس چیزی بیشتر از یک مربی باشد و علاوه بر ساختن تیمی یک دست، بی‌حاشیه و با روحیه بالای قهرمانی به باشگاه هم ساختار درستی بدهد. همه آنچه پرسپولیس و مربی‌های بعد از برانکو از زیرساخت تمرینی باشگاه تا اتاق کار و چندین و چند چیز دیگر دارند نتیجه کار و تلاش برانکو است. مربی‌های خارجی زیادی به ایران آمدند و رفتند اما هیچ‌کدام مثل برانکو چنین تأثیری روی تیم‌شان نداشتند. شاید کی‌روش تنها مربی بود که چنین تأثیری را روی تیم ملی گذاشت. هر کدام از این دو نفر هم دلایل خاص خودشان را داشتند. در اینجا کاری به انگیزه دیگران نداریم اما قطعاً برانکو برای اثبات خودش به فوتبال ایران یا در چنین راهی گذاشته بود. او می‌خواست به فوتبال ایران ثابت کند مربی خوبی است و مشکل فوتبال ایران زیرساختی است و برای همین تلاش کرد تا در پرسپولیس زیرساخت‌هایی را ایجاد کند که به مدد آن به موفقیت برسد و رسید اما رقتن برانکو از ایران برگشتن باشگاه به مدار قبلی بود. منظور از مدار قبلی نتایج درون میدان نیست که بیشتر نگاه



و رفتار مدیریتی باشگاه است.

حالا به مدد رفتار همین مدیران در قبال معمار بهترین پرسپولیس تاریخ پنجره نقل و انتقالاتی پرسپولیس بسته شده و مهم‌تر از آن اعتبار باشگاه خدشه‌دار شده. مدیران باشگاه پرسپولیس که اغلب مثل سایر تیم‌های ایرانی در جریان روابط سیاسی و بدون توجه به تاریخچه باشگاه انتخاب شده‌اند حالا نه تنها منجر به بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی شده‌اند که بی‌احترامی بزرگی را هم به یکی از مهم‌ترین چهره‌های تاریخ باشگاه‌شان روا داشته‌اند. چیزی که اصلاً از نگاه هواداران هنوز عاشق برانکو بخشودنی نیست. عجیب است که چرا در فوتبال ایران هنوز و با همین آزمون خطا و اشتباه پشت اشتباه یک مدیر متخصص در جایی حاضر نیست که چنین تأثیری بر تاریخ باشگاه بگذارد و همه این درخشش‌ها حاصل حوزه مقطعی یک تک چهره است.

بدهی چندصدهزاردلاری و اندکی احترام!
شیوه مواجهه پرسپولیس با پرونده برانکو، سمبلی از نحوه مدیریت امور در سطوح مختلف است. یک معضل یا آسیب، گویا تا زمانی که به بحرانی حاد بدل‌نشود، ارزش رسیدگی را ندارد،



حتی اگر این معضل، خواسته به‌حق سرمربی باشد که ناشی در برگ‌های طلایی تاریخ قرمزها به چشم می‌خورد.

تبعات رفتار نه‌چندان متعهدانه پرسپولیس با معمار نسلی که پرسپولیس پس از یک سال هم با تکیه بر بقایای آن به افتخارآفرینی‌هایش ادامه می‌دهد، به محرومیت از پنجره نقل‌وانتقالاتی که باشگاه خریدهای خود را در آن انجام داده ختم نمی‌شود؛ بلکه بزرگترین از دست رفته در این ماجرا، احترام متقابل میان پرسپولیس و برانکو است.

پروفسور محبوب سرخ‌پوشان، بابت همین احترام خدشه‌دار شده با وعده‌های بی‌سرانجام بود که حاضر به صرف‌نظر از شکایت خود نشد. جانشین وی، گابریل کالدرون هم هنگامی که به‌جای پاداش ۸۰۰ هزار دلاری که در قراردادش ذکر شده بود، کارت‌های هدیه ۵۰۰ هزار تومانی دریافت می‌کرد، مکرراً می‌گفت: «من چیزی جز احترام نمی‌خواهم». هنوز از پادمان نرفته که بعدها سرمربی آرژانتینی را با اتهام به قهر به‌خاطر قهوه دلخوَر ت به‌ سراختند.

این حقیقت که مشکلات ارزی فوتبال ایران

دنیای سوفی کاپیتان

از مدرسه نامهای دریافت می‌کند که نه تنها فرستنده آن را نمی‌شناسد، بلکه نامه خطاب به شخصی است که هیلهه مولرکنگ نام دارد اما به دست سوفی رسیده است. در واقع سوفی نه فرستنده را تا به حال دیده و نه نام گیرنده درست قید شده است. محتوای این نامه فقط یک سوال دو کلمه‌ای است؛ «تو کیستی؟». روز بعد دختر ۱۵ ساله دومین نامه را از همان شخص دریافت می‌کند که حاوی سوالات بیشتری است؛ «چگونه جهان بوجود آمده است؟» «آیا پس از مرگ حیات وجود دارد؟» و مهم‌تر از همه اینکه «چگونه باید زیست؟» طبیعتاً مطرح کردن این سوالات برای دختریِ ساده، ذهن او را با پیچیدگی عجیبی مواجه می‌سازد اما فارغ از این مساله، سوفی با سه مشکل روبه رو شده است: اول این که چه کسی فرستنده این نامه‌ها است؟ دوم پرسش‌هایی بود که این نامه‌ها طرح می‌کند. و سوم آن که این «هیلهه مولرکنگ» که نامه‌ها خطاب به نوشته شده چه کسی می‌تواند باشد؟ سوفی مطمئن است که این سه مساله به نحوی به هم ارتباط دارد.

تأثیرات کتاب

بسیاری از پژوهشگران از رمان «دنیای سوفی» به عنوان کتابی برای آغاز تحول فکری یاد می‌کنند و معتقدند مطالعه آن باعث تغییر کلی در باورهای انسان می‌شود.

ارتباط شخصیتی وریا غفوری با این کتاب

روحیات فوتبالی و شخصیتی وریا غفوری بر کسی پوشیده نیست. او همانقدر که در زمین بازی به پیراهن استقلال تعصب دارد، در خارج از فضای فوتبال و زندگی شخصی‌اش نیز بر سر آرمان‌های

این فوتبال ورشکسته!



دارد. انگلیسی‌ها برای نزدیک به یک قرن خود را مدعیان فوتبال می‌دانستند، سنت فوتبالی خاصی پرورش داده بودند که عموماً متکی بود بر توان فیزیکی بالا و بازی‌های مستقیم. اما از یک جایی آن‌ها هم

دارد. انگلیسی‌ها برای نزدیک به یک قرن خود را مدعیان فوتبال می‌دانستند، سنت فوتبالی خاصی پرورش داده بودند که عموماً متکی بود بر توان فیزیکی بالا و بازی‌های مستقیم. اما از یک جایی آن‌ها هم

پرسپولیس در حالی دیدار نخست خود را مقابل التعاون صدرنشین آغاز کرد که خودش در قعر جدول به سر می‌برد. حامد لک، میلاد سرلک، سعید آقایی، احسان پهلوان و عیسی آل کثیر به عنوان پنج خرید تازه در ترکیب قرار گرفته بودند؛ بازیکنانی که کمتر از یک ماه است به این تیم پیوسته‌اند اما حالا پرسپولیس جدید با آنها شناخته نمی‌شود. سه امتیاز بازی اول بدون شک موهون درخشش حامد لک بود. چند سوپر واکنش او باعث شد تا پرسپولیس به لطف گل شجاع خلیل‌زاده پیروز از زمین بیرون بیاید. در این بازی سرلک پرتاش، آقایی سردرگم، پهلوان در تمناي دیده شدن و آل کثیر دونده و بر خطا اما امیدوارکننده ظاهر شدند.

روزنامهصبح ایران

شلیک به اعتماد برانکو

مانع سرسخت پرداخت معوقات مربیان خارجی تمام تیم‌ها است، قابل درک است اما مدیران پرسپولیس هم باید درک کنند که طرف حساب آنها صرفاً دو کادر خارجی که «پولشان را می‌گیرند و می‌روند» نیستند. حتی اگر مسئولین قرمزها، این را که برانکو و کالدرون تیم را قهرمان و صدرنشین تحول دادند را هم کنار بگذارند، برانکو ماه‌ها پای بی‌پولی باشگاه ایستاد. کالدرون مانند یک عضو کادر تدارکاتی برف‌ها را از کنار زمین می‌رویب. اکنون نیز جز آنچه به آنان تعهد داده شده را نمی‌خواهند. آیا چنین بزرگانی سزوار این هستند که پاسخ عرق و تعصبی که به باشگاه نشان دادند، با بدقولی و خلف وعده چندین‌باره داده شود؟

هوادار پرسپولیس که سخن و عمل را از مدیران باشگاهش می‌بینند، حق دارد که به جمله «نگران نباشید» آنان قانع نباشد. چه می‌شد اگر همین افرادی که یک سال فرصت داشتند و با ندانم‌کاری پرسپولیس را در آستانه تنبیه‌های شدیدتر و بی‌سابقه‌ای هم گذاشته‌اند، صورت‌حساب درآمدهای ارزی باشگاه را منتشر می‌کردند و شفاف می‌ساختند که با هزینه جدایی‌ییراوند و پاداش‌های آسیایی پارسال و سال قبل‌ترش، چند دست کت‌وشلوار خریداری شده و چه مقدار از معوقات برانکو و سایر خارجی‌های سابق و کنونی تیم صاف شده. در بدترین وضعیت، آنها صادقانه به سرمربی تاریخ‌سازشان می‌گفتند پول نداریم، شاید در این صورت هم محرومیت گریبانشان را می‌گرفت اما حداقل اعتبارشان در نزد برانکو نمی‌شکست.

ماجرای تلخ چند روز اخیر، پرده آخر مشکلات مالی قرمزهای پایتخت نخواهد بود. همه می‌دانیم پرونده شکایت کالدرون هم به‌زودی بر بار بدی‌های ارزی هنگفت پرسپولیسی‌ها خواهد افزود. مدیران پرسپولیس شاید به هر نحوی که شده از گردنه مطالبات برانکو بگذرند اما با مثبت نشان دادن مصنوعی جو قطعاً پشت سد کالدرون گیر خواهند کرد و بابت ناامیدساختن هوادار از خود تاوان سنگینی خواهند پرداخت؛ مگر آنکه شیوه حل مشکلاتشان را بیشتر به آنچه مردم از آنان مطالبه می‌کنند، تغییر دهند.

شماره ۳۰۴۸

اخبار

۹۰در ۹۰ با زوج تکنیکی فرمانی-قلی زاده!
علی قلی زاده هافبک-مهاجم ۲۴ ساله و ملی پوش ایرانی شارلروا فصلی فوق العاده را در لیگ بلژیک همراه تیمش آغاز کرده است. شارلروا که فصل گذشته با اختلاف یک امتیاز حضور در لیگ قهرمانان را از دست داد ، در این فصل در شش مسابقه ابتدایی فصل ۶ برد به دست آورده و قلی زاده بی شک یکی از مهمترین مهره های این تیم در خلق این نتیجه بوده است.

ستاره سابق سایپا در آخرین بازی تیمش برابر بروشت با یک گل زیبا بازمهر به کسب سه امتیاز تیمش نقش موثر ایفا کرد. خودش در این باره می گوید:”یک برد دیگر آوردیم و این خیلی اتفاق خوبی بود. بازی خیلی مهمی بود چرا که در تیم دوم جدول بازی داشتیم. خداراشکر توانستم گل بزنم و از این موضوع خیلی خوشحال هستم. امیدوارم این گل زدن و پاس گل هایم تداوم داشته باشد و بتوانم به تیم کمک کنم“
درخشش قلی زاده اما در این هفته بشدت مورد توجه رسانه ها و فضای فوتبال بلژیک قرار گرفته است.”تا الان که عالی بوده و در رسانه ها و بین هواداران این بازی ها بازتاب خیلی زیاد و مثبتی داشته است. شرایط فوق العاده است. ما ۶ بازی شش برد به دست آوردیم و صدررصد امتیازات را گرفتیم. الان با اختلاف خوبی در صدر هستیم و فقط باید تمام تلاشمان را بکنیم تا این روند ادامه داشته باشد“.

شارلروا فصل گذشته با حضور در رتبه سوم بهترین نتایجش را در رقابت های لیگ بلژیک به دست آورد اما آیا امسال این تیم می تواند قهرمان شود؟ قلی زاده در این مورد می گوید:”پیش بینی در این مقطع از فصل کار غیرممکن است. هنوز ۳۰ بازی دیگر باقی مانده اما این ما بازی به بازی پیش می رود و می خواهیم این نتایج خوب را ادامه بدهیم. شرایط این تیم شارلروا به شکلی است که اکثر بازیکنان چندسالی است در کنار هم بازی می کنند، آن همدیگر را خوب می شناسند ضمن اینکه الان تکمیل تر شدیم و نتیجه اش را هم داریم می گیریم“.

این وینگر تکنیکی و گلزن در ابتدای فصل چند پیشنهاد جدی داشت و حتی تا آستانه انتقال به آلکمار پیش رفت اما در نهایت یک فصل دیگر در شارلروا ماند. تداوم این نمایش درخشان اما می تواند قلی زاده در پایان فصل و حتی نقل و انتقالات زمستانی به یک تیم خوب در لیگی در سطح بالاتر ببرد. خودش می گوید:”چند تا پیشنهاد جدی بود اما قسمت بود بمانم. من تمام تلاشم را می کنم این روند ادامه داشته باشد و آخر فصل بتوانم به یک تیم خیلی بزرگتر بروم. دوست دارم چالش های بزرگتری داشته باشم و در تیم های خوب اروپا خودم را محک بزنم. امیدوارم این اتفاق بیفتد؛ تمام تلاشم را می کنم“.

قلی زاده اما اینتروزها علاوه بر موفقیتی هایش در بازی های شارلروا یک خوشحالی بزرگ دیگر هم دارد. همسرش یاسمن فرحانی بعد از پیوستن به تیم زنان شارلروا در اولین مسابقه اش یک پاس کلیدی کلیدی داده و این تیم را از شکست نجات داد:”وضعیت همسرم هم عالی است. چند روز دیگر در جام حذفی بازی دارند. کاملاً آماده است که برای ابراش آرزو می کنم که مثل بازی اول که پاس گل داد در این بازی هم برای تیمش موثر باشد. “او اضافه می کند:”می توانیم امسال شرایط خوبی را (به همراه همسرم) رقم بزنیم. امیدوارم خدا کمکمان کند و در ادامه حتی بهتر هم باشیم.“

یزدانی: دوست داشتم دستیار استراماچونی شوم

داریوش یزدانی، بازیکن اسبق تیم فوتبال استقلال اظهار داشت: استراماچونی را به لحاظ فنی می‌شناختم تأثیری که در فوتبال ما گذاشت ستودنی بود اگر به استقلال می‌آمد با کمال میل کنارش می‌نشستم تا به تجربیاتم اضافه و به تیم محبوبم خدمت کنم، اما حالا که آمدن استراماچونی منتفی شد همینجا به کارم ادامه می‌دهم و در سکوت و آرامش راه و مسیر خودم را طی می‌کنم.

یزدانی در خصوص دعوت از وی برای همکاری با الکس نوری افروز، هواداران استقلال با اسام استراماچونی، کرانچار و ... به ارتقاء قابل تحسین رسیده بودند استرا توانسته بود تیم است بسازد و اگر می‌ماند استقلال رویایی را از نو می‌ساخت، اما به رغم تلاش آقای شجاع‌ساز، این اتفاق برای استقلال و پرشور استقلال حالا کنار هواداران خوب و پرشور استقلال می‌مانم و صف اتحاد شان را نمیشکنم. دوست دارم کنار هوادارانی باشم که به آن‌ها مدیونم و من مقابل و علیه شان، آن‌ها استراماچونی را می‌خواهند و این خودخواهی است من به خودم فکر کنم.

یزدانی در خصوص قانون منع ورود مربی - بازیکن خارجی خاطر نشان کرد: حضور مربیان با دانشی مثل استراماچونی، کرانچار و ... به ارتقاء سطح کیفی فوتبال ما کمک می‌کند اینکه چرا آقایان در وزارت ورزش چنین تصمیمی گرفتند دهنی تعجب دارد. اهالی رسانه باید برنامه ترتیب دهند که مسئول مستقیم این تصمیم بیاید و دلایلش را برای مردم و اصحاب رسانه بگوید صرف اینکه حضور مربی - بازیکن خارجی می‌مانم و صف اتحاد شان را نمیشکنم. دوست دارم کنار هوادارانی باشم که به آن‌ها مدیونم و من مقابل و علیه شان، آن‌ها استراماچونی را می‌خواهند و این خودخواهی است من به خودم فکر کنم.

یزدانی در خصوص قانون منع ورود مربی - بازیکن خارجی خاطر نشان کرد: حضور مربیان با دانشی مثل استراماچونی، کرانچار و ... به ارتقاء سطح کیفی فوتبال ما کمک می‌کند اینکه چرا آقایان در وزارت ورزش چنین تصمیمی گرفتند دهنی تعجب دارد. اهالی رسانه باید برنامه ترتیب دهند که مسئول مستقیم این تصمیم بیاید و دلایلش را برای مردم و اصحاب رسانه بگوید صرف اینکه حضور مربی - بازیکن خارجی می‌مانم و صف اتحاد شان را نمیشکنم. دوست دارم کنار هوادارانی باشم که به آن‌ها مدیونم و من مقابل و علیه شان، آن‌ها استراماچونی را می‌خواهند و این خودخواهی است من به خودم فکر کنم.

ممنوعیت ورود مربیان و بازیکنان خارجی انکار منطق روز فوتبال است. آن هم در فوتبالی که همه می‌دانیم کمبودهایش فقط سخت افزاری نیست و از نظر دانش فنی نیازمند تجربه‌های جدید است. فراموش نکرده‌ایم تحولی را که استراماچونی تنها در شش ماه ایجاد کرد، تحولی که هشدش انقدر شیرین بود که خاطره‌اش هواداران استقلال را مدهوش کند. یا مثلاً داستان برانکو را که اگر نبود شاید دوری پرسپولیس از قهرمانی بسیار بیشتر طول می‌کشید. همه این‌ها نشان از فوتبالی دارد که در آستانه ورشکستگی است، حتی با هزینه‌های روزافزوش. فوتبالی که بی افتخار بدهی روی بدهی تلنبار می‌کند و راه چاره را در انزوایی که خودخواسته یافته است. انزوایی که بیش از بیش به هاویه‌ای وحشتناک سوقش می‌دهد.

گذاشتند. اسون گوران اریکسون اولین مربی خارجی انگلستان بود. در تیم‌های باشگاهی‌شان هم همین روال ادامه داشت. حالا و از بین ۶ تیم برتر انگلستان فقط چلسی مربی انگلیسی دارد.
ایتالیایی‌ها نیز سال‌ها بر سنت فوتبالی‌شان، مسامحتاً همان کاتانچو تأکید داشتند. می‌گویند که کالجو حتی در روزهای افولش، بهترین لیگ اروپا از نظر پیچیدگی تاکتیکی است. اما آن‌ها هم گشودگی دارند نسبت به ایده‌های جدید. فوتبال به قهقرا رفته آلمان را یک خارجی، گواردیولا احیا کرد. بهرحال فوتبال با وجود این سنت‌های ملی،بین‌المللی است، انگار که دانشی وجود دارد که محدود به یک کشور و ملت نیست، باید با اشاعه یابد.
حالا این وسط، ما ناکارآمدی‌مان را به بدترین شکل ممکن پاسخ گفته‌ایم.

ضربه‌ای که بازیکن التعاون به بالای زانوی بشار رسن زد و مستحق کارت قرمز بود.

منتقدان نوشته‌اند که التعاون تیم بزرگی نیست، جان و زور بردن نداشت و در بهترین حالت کیفیتی معادل تیم‌های نیمه پائین جدول لیگ برتر دارد. عیار واقعی پرسپولیس مقابل الدوحیل سنجیده می‌شود. در این که پرسپولیس با ۵۰درصد تغییر نسبت به نسخه لیگی خودش به زمین آمد و چندان چشم‌نواز بازی نکرد کمتر کسی تردید دارد ولی چند نفر را می‌شود پیدا کرد که در مسابقاتی این طور فشرده چشم روی نتیجه نهایی ببندد؟ این که الان پرسپولیس چشم‌نواز بازی می‌کرد ولی هر دو بازی را می‌باخت واقعاً چند نفر از هواداران این تیم - در رقیبان - را خوشحال می‌کرد؟

همه دوست دارند تیم‌های محبوبشان مثل بایرن‌مونیخ کوبنده یا مثل بارسلونای عصر گواردیولا و اتریکه دلبرانه فوتبال بازی کنند اما پیروزی ۱-۰ و کسب سه امتیاز در یک فصل عجیب فوتبالی، در ورزشگاه‌های خالی از تماشاگر و در روزهای هم‌رزستی با کرونا هم گواراست. یحیی گل‌محمدی حق دارد لیخند بزند. او بهتر از هر کسی می‌داند که این پرسپولیس برای پخته شدن هنوز باید در کوره‌های داغ‌تری تحملش را نشان دهد.